

## بررسی تأثیر رفاه اقتصادی و اجتماعی بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری (مورد مطالعه شهر اصفهان)

رسول ربانی (نویسنده اصلی)

دارما آرانچولام

محمد عباس زاده

وحید قاسمی

### چکیده:

مشارکت مردم در روند تصمیم‌گیری شهری، یکی از عناصر اصلی حکومت دموکراتیک و مردمی بوده است و افزایش مشارکت مردم در امور شهری می‌تواند در ایجاد تعادل و هماهنگی لازم بین بخش‌های جامعه، نقش ارزنده‌ای را ایفا نماید. هدف اصلی مقاله حاضر، بررسی تأثیر رفاه اقتصادی و اجتماعی بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری بوده است.

روش تحقیق پیمایشی است و جامعه آماری مورد مطالعه شامل سرپرستان خانوارهای شهر اصفهان به تعداد ۴۴۴۵۵۲ نفر می‌باشد. از این تعداد، ۷۰۰ نفر با استفاده از فرمول کوکران و به روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انتخاب شده‌اند. ابزار مورد استفاده در تحقیق حاضر، پرسش‌نامه می‌باشد که بعد از بررسی اعتبار و پایایی آن، از طریق پرسش‌گران آموزش دیده به مرحله اجرا درآمده است (سال ۱۳۸۶).

یافته‌های تحقیق حاضر، نشان می‌دهد که بیشتر شهروندان اصفهانی مشارکت بالایی در امور شهری داشته و بین رفاه اقتصادی و اجتماعی با میزان مشارکت شهروندان در امور شهری رابطه معنی‌دار خطی حاصل آمده است. نتیجه غالب اینکه هر چقدر مسئولین شهری بتوانند اعتماد مردم را جلب کرده و از این طریق بر رضایتمندی اجتماعی آنان بیفزایند، در این صورت احساس تعلق آنان را به منطقه سکونتشان افزایش داده و باعث افزایش مشارکت آنان در امور شهری می‌گردند.

**کلیدواژه:** مشارکت، رفاه اقتصادی، رفاه اجتماعی، اعتماد نهادی، رضایتمندی اجتماعی و

بهداشتی

## مقدمه

ارزش مشارکت در امور عمومی و مدنی شهری دارای سابقه بسیار طولانی است. ادبیات مشارکت به نوعی با کارهای روسو<sup>۱</sup>، روتق خاصی گرفته است. در قرن ۱۹ که به نوعی لیبرالیسم حاکم بوده تا قرن ۲۰ که رادیکالیسم حاکم شد، به طرق گوناگون به مشارکت پرداخت شده است. علت این امر را می توان در نقش مشارکت به عنوان عامل افزایش آگاهی اجتماعی، سیاسی و اخلاقی، افزایش مسئولیت پذیری، توانمندسازی گروه‌ها، اجتماعات انسانی و ... ذکر کرد (Abbott, Fisk, and Forward, Louise, 2000:330) و شاید به همین خاطر بوده است که توجه به پدیده مشارکت و تأکید بر نقش آن به عنوان یکی از عوامل اصلی توسعه، تا حد زیادی پس از شکست راهکارها و برنامه های توسعه در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، مطرح گشته است (نیازی، ۱۳۸۱) طوری که به خاطر حساسیت موضوع، سازمان بین المللی یونسکو اعلام نموده است که اکنون توسعه باید از مردم، از آنچه انجام می دهند و از آنچه که می اندیشند و باور دارند، آغاز شود (فردرو و رضوانی، ۱۳۸۱).

مشارکت به معنای شراکت و همکاری در کاری، امری یا فعالیتی و حضور در جمعی، گروهی و سازمانی، جهت بحث و تصمیم گیری چه به صورت فعال و چه به صورت غیرفعال است. در مجموع، جوهره اصلی مشارکت را باید در فرایند درگیری، فعالیت و تأثیرپذیری دانست (علوی تبار، ۱۳۸۰) که نتیجه آن می تواند به ایجاد احساس تعهد در بین افراد جامعه بیانجامد (فردرو و رضوانی، ۱۳۸۱: ۱۸۵). بنابراین در تعریف مشارکت سه اندیشه نهفته است:

الف) درگیری ذهنی و عاطفی ب) انگیزش برای یاری دادن ج) پذیرش مسئولیت (طوسی، ۱۳۷۲).

بر این اساس می توان گفت که به لحاظ کارکردی مفهوم مشارکت در برگیرنده این موضوع اصلی است که افراد و کل جامعه با تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم خود در امور شهری و سایر موضوعات مرتبط، از منافع آن، متمتع می گردند. شهروندان با مشارکت در امور شهری به شبکه ای از روابطی وصل می گردند که در آینده می تواند نقش حمایتی را برای آنان بازی نماید. مخصوصاً در جامعه ای که تعداد اقشار آسیب پذیر، بیشتر است، مشارکت دهی آنان در امور شهری، باعث افزایش عزت نفس، افزایش تعامل اجتماعی و افزایش تجربه و مهارت های مشارکت کنندگان می گردد (Saunders, Brown, and Eardely, 2003). بنابراین

مشارکت مردم در روند تصمیم‌گیری شهری و ... یکی از عناصر اصلی حکومت مردمی بوده و افزایش مشارکت مردم در امور شهری، می‌تواند در ایجاد تعادل شهری، نقش ارزنده‌ای را ایفا نماید. این موارد نشان می‌دهد که در جهان آشفته و زندگی پیچیده شهری، بدون همکاری و مساعدت‌های مردمی، نمی‌توان به توسعه شهری دست یافت. لذا ایجاب می‌کند که افراد جامعه در تمامی امور شهری، همکاری فعال و گسترده‌ای را دنبال کرده و با مشارکت فعال در جامعه، خواسته‌های مشروعشان را تحقق بخشند. آنچه که در این میان مهم می‌نماید توجه به این نکته است که عوامل زیادی می‌توانند بر امر مشارکت تأثیر گذار باشند که از این میان مقوله رفاه در بُعد اقتصادی و اجتماعی انتخاب شده است.

رفاه اجتماعی عبارت از مجموعه سازمان یافته‌ای از قوانین، مقررات، برنامه‌ها و سیاست‌هایی است که در قالب مؤسسات رفاهی و نهادهای اجتماعی به منظور پاسخ‌گویی به نیازهای مادی و معنوی و تأمین سعادت انسان ارایه می‌شود، تا زمینه رشد و تعالی او را فراهم آورد. چنانچه تعریف فوق نشان می‌دهد: اول اینکه رفاه اجتماعی مجموعه‌ای است از قوانین، مقررات و برنامه‌های رفاهی، یعنی برنامه‌ها و سیاست‌های مختلف رفاهی از قوانین و مقرراتی سرچشمه می‌گیرد که چارچوب آن توسط قوه مقننه در قالب قانون و یا توسط قوه مجریه در قالب آیین‌نامه و دستورالعمل‌های اجرایی و با توجه به سیاست‌های عمومی دولت و نیازهای اساسی جامعه تنظیم و ترسیم می‌شود. دوم اینکه مجری برنامه‌ها و تدابیر رفاهی - اجتماعی، تنها مؤسسات رفاهی مربوط به دولت نبوده، بلکه نهادهای اجتماعی با هدایت و حمایت دولت، نقش مهم و ارزشمندی را در تأمین رفاه اجتماعی به عهده دارند. سوم اینکه هدف از این برنامه‌ها، تأمین سعادت انسان است و سعادت انسان در گرو تعالی و تکامل اوست و لذا تأمین نیازهای مادی و معنوی و برخورداری از برنامه‌های مختلف رفاه اجتماعی زمینه و امکان چنین سعادت‌هایی را برای بشر فراهم می‌آورد.

بنابراین در تعریف رفاه دو نکته بسیار حیاتی می‌نماید: الف) تأمین نیازهای مادی و ب) تأمین نیازهای معنوی (زاهدی اصل، ۱۳۸۱) که هر دو مورد مذکور می‌توانند بر امر مشارکت تأثیر گذار باشند. آنچه که در تحقیق حاضر به عنوان مسأله اساسی مطرح است این است که در بسیاری از شهرهای بزرگ در ایران توسعه شهری آن‌طور که شایسته است، به پیش نمی‌رود (قراچورلو و اسمعیلی، ۱۳۸۶). لذا مسئولین شهری به تنهایی نمی‌توانند به جنگ با مشکلات شهری بپردازند، آن‌ها ناچارند با بهره‌گیری درست و بهینه از توان‌ها و استعداد‌های موجود شهروندان در قالب برنامه‌های مشارکتی، اهداف خود را عملی نمایند. لذا تحقیق حاضر در صدد است با تأکید بر ابعاد رفاه، مشارکت شهروندان در امور شهری را تبیین نماید.

### مرور سوابق نظری و تجربی

نوع نگاه به مقوله رفاه در عصر حاضر متفاوت از دوران مدرن پیشین بوده و اگر در گذشته تعداد بیشتری از تئوری پردازان ابعاد مادی و اقتصادی رفاه را مورد مذاقه قرار داده بوده اند (Rothenberg, 1953: 245)، در عصر حاضر مقوله های اجتماعی و معنوی نیز در داخل مفهوم رفاه مطرح شده است. (Warner, 2007: 205)، بنابراین آنچه که امروزه تحت عنوان رفاه مطرح می شود به نوعی جامع تر از گذشته بوده و انسان محوری تقریباً جای تفکر صرفاً ابزاری و مادی گرایانه را گرفته است. به عبارتی در هزاره جدید که اندیشه های پست مدرنیستی مجال بروز یافته اند، مواردی چون اعتماد نهادی، رضایتمندی اجتماعی، رضایتمندی بهداشتی و مفاهیم انسان گرایانه دیگری تحت عنوان رفاه اجتماعی جمع آمده اند (Giddens, 2006, Bannet, 2004). بر این اساس در مقاله حاضر نگاه مدرنیستی (رفاه اقتصادی) و پست مدرنیستی (رفاه اجتماعی) به مقوله رفاه، ملحوظ است که در تایید آن نتایج تحقیقات تجربی نیز آورده شده اند.

یکی از ابعاد رفاه اجتماعی، اعتماد نهادی<sup>۱</sup> است. اعتماد نهادی نقش مهمی در تبیین میزان مشارکت شهروندان در امور مختلف شهری دارد. جامعه شناسانی مانند لوهمان<sup>۲</sup>، باربر<sup>۳</sup> و دریسکول<sup>۴</sup> اعتماد را در مرکز تحلیل های جامعه شناختی خود قرار داده و تأثیر آن را بر میزان مشارکت شهروندان در امور مختلف شهری، حیاتی خوانده اند (Lewis, and Welgert, 1985: 980, Driscol, 1978: 45, Mutz, 2005: 395). چرا که در سوق دهی مردم به سوی مشارکت، اعتمادسازی دو طرفه بین مردم و مسئولین نقش اساسی را بازی می نماید (Marshall, 2004: 235). در ادامه مطالب نظری یادشده، نتایج تحقیق صورت گرفته توسط ربانی و گنجی (۱۳۸۴)، مقدس جعفری (۱۳۸۱)، کیهانی (۱۳۸۴)، روسی<sup>۵</sup> (2006) اسمیت<sup>۶</sup> (2006) و لی<sup>۷</sup> (2006) نشان داد که برای افزایش مشارکت شهروندان در امور مختلف، وجود اعتماد نهادی الزامی است.

- 
- 1- Institutional Trust
  - 2- Nikulas Luhman
  - 3- Bernard Brber
  - 4- Driscol
  - 5- Rose
  - 6- Smith
  - 7- Lee

دومین بُعد از ابعاد رفاه اجتماعی در تحقیق حاضر، میزان رضایتمندی بهداشتی<sup>۱</sup> شهروندان بوده که می تواند تأثیر اساسی بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری داشته باشد. چرا که هر گونه فعالیت فیزیکی و اجتماعی، لزوماً به بدن سالم احتیاج دارد (Howard, and et al 2007). در تحقیق به عمل آمده از سوی ایکستروم<sup>۲</sup> و همکاران وی، رابطه بین رضایتمندی بهداشتی با میزان مشارکت شهروندان در فعالیت های اجتماعی تأیید گردیده است (Ekstrom, and et al, 2007). بنابراین در جامعه ای که از رضایتمندی بهداشتی خبری نیست، قاعدهً از مشارکت فعال مردم هم در امور مختلف اجتماعی و فرهنگی شهری خبری نخواهد بود. آخرین بُعد از ابعاد رفاه اجتماعی که در تحقیق حاضر به آن پرداخت گردیده، میزان رضایتمندی اجتماعی<sup>۳</sup> است. رضایتمندی از زندگی و شغل و در کل رضایتمندی از اجتماع محل زیست، می تواند استمرار هر گونه کنش مثبت اجتماعی از جمله مشارکت شهروندان در امور شهری را سبب گردد. این امر همان مصداق نظریه تسری گرونبرگ است (رفیع پور، ۱۳۷۲). از نظر ایشان، انسان ها رضایت یا عدم رضایت خود از یک بخش از زندگی را به سایر بخش ها منتقل می کنند. بنابراین شهروندی که از وضع زندگی اش رضایت داشته باشد، بیشتر تمایل خواهد داشت در امور مختلف اجتماعی مشارکت نماید (رفیع پور، ۱۳۷۸). در تأیید مباحث مذکور، نتایج تحقیقات کاظمی کردآسیایی (۱۳۸۱)، حسین زاده (۱۳۸۵: ۲۲۳) و کوثری (۱۳۷۴)، نشان داد که رضایتمندی اجتماعی، در افزایش مشارکت تأثیر به سزایی داشته است.

همان طوری که در ابتدای ادبیات این بخش اشاره شد، رفاه اقتصادی نیز در میزان مشارکت شهروندان در امور شهری تأثیر گذار است. یکی از شاخص هایی که به عنوان زیر مجموعه رفاه اقتصادی در نظر گرفته شده است، احساس محرومیت نسبی<sup>۴</sup> است (Mehlum, 2002: 69). در علوم اجتماعی پیرامون محرومیت نسبی، مباحث متعددی نقل شده است. دیویس<sup>۵</sup> ادعا می کند، احساس محرومیت نسبی زمانی اتفاق می افتد که شخص دوست دارد آن چیزی که دیگران دارند، او هم داشته باشد. رانسیمن<sup>۶</sup> مطرح می نماید که یک شخص زمانی احساس محرومیت نسبی می کند که احساس کند آن وضعیت و شرایط قابل دست یابی است.

- 1- Health Satisfaction
- 2- Ekstrom
- 3- Social Satisfaction
- 4- Feeling of Relative Deprivation
- 5- Davis
- 6- Runciman

کروسی<sup>۱</sup> خاطر نشان می‌سازد که وضعیت نابرابر حاکم بر اجتماع، می‌تواند بر احساس محرومیت نسبی بیانجامد. بنابراین از لحاظ جامعه‌شناختی، وقتی مردم به جهت وجود نابرابری‌های اجتماعی، احساس نمایند که در مقایسه با دیگران و یا در مقایسه امکانات شهری منطقه خود با سایر مناطق، مورد تبعیض واقع گردیده‌اند، طبیعی است به نیاز اساسی مسئولین شهری که همانا مشارکت شهروندان در امور شهری است، پاسخ مناسبی ندهند. به لحاظ روان‌شناختی نیز این امر قابل تأیید است. از نظر روان‌شناسان، احساس چنین تبعیض‌هایی می‌تواند انگیزه مردم را در جهت مشارکت کاهش داده و زمینه را برای بروز هر گونه ناپهنجاری‌های اجتماعی مهیا سازد (Newton, Manue, and Geary, 1980: 384-385). در تأیید نظرات مذکور، امیر کافی در تحقیقی که پیرامون مشارکت انجام داده، به این نتیجه مهم دست یافته است که هرچه قدر احساس محرومیت نسبی در جامعه بالا باشد، از میزان مشارکت مردم در امور مختلف شهری کاسته خواهد شد (امیر کافی، ۱۳۸۲). از جمله شاخص‌های دیگر برای سنجش میزان رفاه اقتصادی، نوع مسکن، تأمین مایحتاج اولیه، مناسب بودن منطقه سکونت و وضعیت فعالیت شهروندان می‌باشد. نتایج تحقیقات لاهیجانیان (تقوی، ۱۳۸۵: ۵۷)، ریسک<sup>۲</sup> (تاجیک اسماعیلی، ۱۳۷۶) کمپل<sup>۳</sup> (کیهانی، ۱۳۸۴) و ریوری<sup>۴</sup> (۲۰۰۵) نشان داد که رفاه اقتصادی نظیر تأمین مایحتاج اولیه (مسکن، تغذیه، پوشاک)، مناسب بودن منطقه سکونت و وضعیت فعالیت شهروندان در میزان مشارکت شهروندان در امور شهری تأثیرگذار بوده‌اند.

ذکر این نکته ضروری است که تقسیم بندی رفاه در قالب اقتصادی و اجتماعی به جهت شفاف سازی موضوع و نشان دادن این امر بوده است که مقوله رفاه در عصر حاضر صرفاً بُعد مادی را شامل نمی‌شود؛ بلکه بُعد غیر مادی را نیز شامل می‌گردد؛ بنابراین ابعاد آن می‌تواند بسته به نوع تقسیم بندی محققین دیگر تغییر یابد.

### فرضیه های تحقیق

میانگین مشارکت شهروندان در امور شهری، براساس نوع مسکن شهروندان، متفاوت است.  
میانگین مشارکت شهروندان در امور شهری، براساس وضعیت فعالیت شهروندان، متفاوت است.  
بین تأمین مایحتاج اولیه (تغذیه و پوشاک) و میزان مشارکت شهروندان در امور شهری، رابطه وجود دارد.

1- Crosby

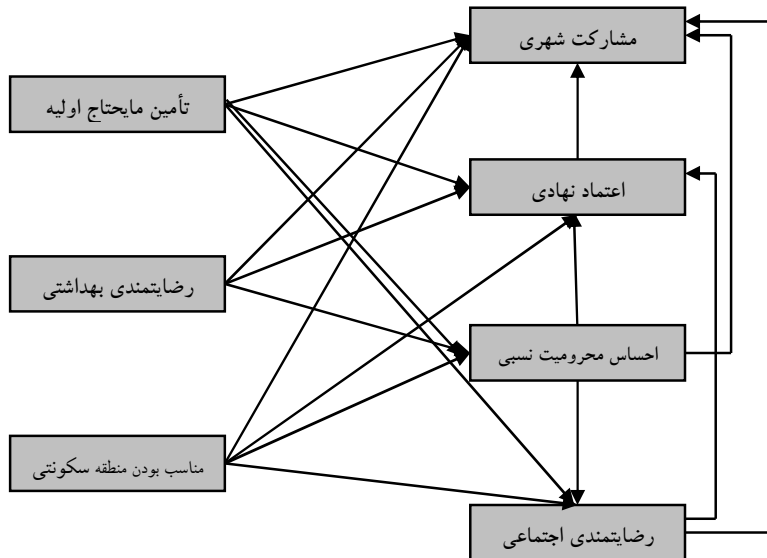
2- Rick

3- Campbell

4- Rebori

بین مناسب بودن منطقه سکونتی و میزان مشارکت شهروندان در امور شهری، رابطه وجود دارد.  
 بین احساس محرومیت نسبی و میزان مشارکت شهروندان در امور شهری، رابطه وجود دارد.  
 بین اعتماد نهادی و میزان مشارکت شهروندان در امور شهری، رابطه وجود دارد.  
 بین رضایتمندی بهداشتی و میزان مشارکت شهروندان در امور شهری، رابطه وجود دارد.  
 بین رضایتمندی اجتماعی و میزان مشارکت شهروندان در امور شهری، رابطه وجود دارد.

شکل شماره ۱- مدل تحلیلی برگرفته از فرایند پژوهش



### روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش، بر اساس هدف تحقیق، از نوع کاربردی و براساس نحوه گردآوری داده ها، پیمایشی است. همچنین از لحاظ میزان ژرفایی، پهنای و با در نظر گرفتن معیار زمان، مقطعی است.

### فرایند نمونه گیری

جامعه آماری تحقیق حاضر، شامل کلیه سرپرستان خانوارهای شهر اصفهان به تعداد ۴۴۴۵۵۲ نفر (سال ۱۳۸۶) بوده که از این تعداد، ۷۰۰ نفر (از طریق فرمول کوکران) به شیوه نمونه گیری چند مرحله ای انتخاب گردیده است.

$$n = \frac{t^2 pq}{d^2} = \frac{2/58^2 \times 0/5 \times 0/5}{0/05^2} = \frac{1/6641}{0/0025} = 665/64$$

بر اساس فرمول نمونه گیری که تعداد نمونه، حدود ۶۶۶ نفر انتخاب گردیده است، برای پوشش خطاهای احتمالی، تعداد آن را به ۷۰۰ نفر ارتقا دادیم. در نهایت، تحقیق حاضر با تعداد نمونه ۷۰۰ نفر، مورد بررسی قرار گرفته است.

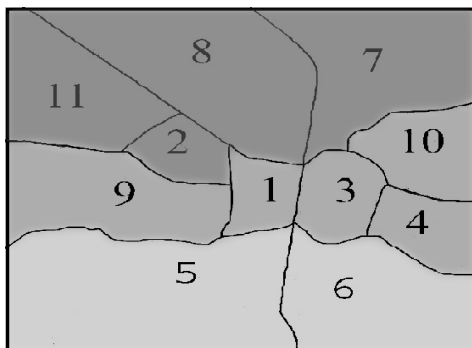
پس از تعیین حجم نمونه، تعدادی از مناطق شهرداری انتخاب شده و تخصیص نمونه به هر کدام از مناطق، بر اساس تعداد خانوارهای موجود در هر منطقه بوده است. بر این اساس، بیشترین نمونه انتخاب شده به ترتیب از شهرداری مناطق هشت، پنج، ده، سه، شش، یک و یازده بوده است. جدول شماره (۱) در ارتباط با تعداد نمونه انتخابی به تفکیک مناطق شهرداری و شکل شماره (۲) مرتبط با نمایش بصری موقعیت مناطق منتخب شهرداری اصفهان می باشد.

جدول شماره ۱- تعداد نمونه های تخصیص یافته به نسبت مناطق شهرداری

مناطق شهرداری	کل جمعیت سرپرستان خانوارهای مناطق منتخب	تعداد	درصد
منطقه ۱	۲۲۹۳۴	۵۲	۷/۴
منطقه ۳	۳۳۹۷۵	۷۸	۱۱/۱
منطقه ۵	۶۸۱۲۵	۱۵۸	۲۲/۶
منطقه ۶	۳۱۰۴۲	۷۱	۱۰/۱
منطقه ۸	۸۲۰۴۳	۱۸۸	۲۶/۹
منطقه ۱۰	۵۱۷۱۹	۱۱۸	۱۶/۹
منطقه ۱۱	۱۵۰۶۴	۳۵	۵
جمع کل	۳۰۵۶۰۲	۷۰۰	۱۰۰



شکل شماره ۲: مناطق شهرداری اصفهان



### اعتبار و پایایی وسیله اندازه گیری

فرایند عملی کردن مفاهیم و ساخت شاخص‌های مناسب با استفاده از شاخص سازی براساس مطالعه مقدماتی و اسنادی انجام شده و در نهایت شاخص‌های ایجاد شده، در مقیاس طیف لیکرت و به صورت ۶ گزینه‌ای (در سطح رتبه ای) طرح گردیده اند. در خصوص اعتبار و پایایی وسیله اندازه گیری، می توان گفت که پرسش نامه مقدماتی، ابتدا به تعدادی از متخصصین مربوطه، ارجاع گردیده و در نهایت اعتبار صوری وسیله اندازه گیری با حذف و اصلاح تعدادی گویه ها، حاصل شده است. برای بررسی پایایی گویه های مرتبط با متغیر وابسته، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. مقدار ضریب مذکور به میزان ۰/۸۱۹ بوده است که نشان از پایداری درونی بالای بین گویه ها دارد. در مرحله بعد برای بر آورد اعتبار سازه‌ای<sup>۱</sup> مرتبط با ابعاد رفاه اجتماعی و اقتصادی از تکنیک تحلیل عاملی<sup>۲</sup> استفاده شد. با استفاده از تکنیک مذکور زیر مجموعه های مرتبط با یک بُعد و تعداد عوامل قابل قبول با استفاده از مقادیر ویژه<sup>۳</sup> مشخص گشته است. معنی داری آزمون بارتلت (Sig=0/000) و نتایج آزمون آماری (Kmo=۰/۷۷۹) برای ابعاد رفاه اجتماعی و همچنین معنی داری آزمون بارتلت (Sig=0/000) و نتایج آزمون آماری (Kmo=۰/۶۲۳) برای ابعاد رفاه اقتصادی، نشان می دهد که ایده تحلیل عاملی برای گویه های مورد نظر، ایده مطلوبی بوده و تعداد نمونه انتخاب شده برای انجام تحلیل عاملی، کافی می باشد. نتایج نهایی اینکه تعداد ابعاد قابل قبول برای سازه رفاه اجتماعی، سه عامل، اعتماد نهادی،

1- Construct Validity

2- Factor Analysis

3- Eigen value

رضایتمندی بهداشتی و رضایتمندی اجتماعی و برای سازه رفاه اقتصادی، سه عامل، تأمین مایحتاج اولیه، احساس محرومیت نسبی و مناسب بودن منطقه سکونتی، تشخیص داده شده است. علاوه بر انجام تحلیل عاملی، تحلیل پایایی در مورد هریک از عامل‌ها و متغیرهای مربوط به ابعاد رفاه اجتماعی و رفاه اقتصادی بر اساس روش پایداری درونی و با استفاده از تکنیک آلفای کرونباخ نشان می‌دهد که هریک از عوامل مطرح شده، دارای ضریب پایایی قابل قبولی بوده‌اند. جدول شماره (۲)، ضریب پایایی کل برای متغیر وابسته، و جداول شماره (۳) و (۴)، به ترتیب در ارتباط با نتایج و اجزاء تحلیل عاملی و تحلیل پایایی گویه‌های مربوط به ابعاد رفاه اجتماعی و رفاه اقتصادی می‌باشد.

جدول شماره ۲- ضریب پایایی کل برای متغیر وابسته (میزان مشارکت)

ضریب پایایی کل	سؤالات
۰/۸۱۹	تلقی مشارکت در امور شهری به معنای اتلاف وقت
	مشارکت در امور شهری زمینه ساز بهبود زندگی فردی و اجتماعی
	احساس نیاز برای مشارکت
	احتمال مشارکت بالای مردم در امور شهری به عنوان مؤلفه اصلی جوامع پیش‌رفته
	بهبود کاستی‌های شهری با پرداخت به موقع عوارض
	ضروری بودن پرداخت عوارض شهری
	مشارکت در طرح‌هایی نظیر طرح استقبال از بهار
	تحويل زباله‌ها در روزها و ساعات تعیین شده از سوی شهرداری
	پخش زباله‌ها در محیط مسکونی
	کاشت نهال مقابل خانه
	نگهداری از فضای سبز و درختان
	حضور در جلسات انجمن اولیا و مربیان
	توجه به قوانین شهرداری در زمینه ساخت و سازها
	عدم استفاده از ماشین شخصی مگر در مواقع ضروری
	مشارکت در امور محله
	تحمل سخنی‌های احتمالی در حل مشکلات شهری
	پیگیری مستمر مشکلات محله
	مشارکت در انتخابات دوره قبل شوراهای شهر
	علاقه‌مندی به مشارکت در انتخابات شورای شهر در دوره‌های آتی
تلقی مشارکت بالا در انتخابات شورای شهر به منزله زمینه ساز ارتقای کیفیت خدمات شهری	
مشارکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی	

جدول شماره ۳- نتایج اجزاء تحلیل عاملی و تحلیل پایایی گویه های مربوط به ابعاد غیر مادی رفاه اجتماعی

ابعاد رفاه اجتماعی	شاخصها	بار عاملی	درصد واریانس تبیین شده	مقادیر ویژه	ضریب پایایی هر عامل	ضریب پایایی کل
اعتماد نهادی	صداقت	۰/۷۸۰	۲۵/۵۴	۲/۵۵	۰/۷۸۵	۰/۷۳۱
	قلیل اعتماد بودن	۰/۸۵۸				
	اقتدای پذیری	۰/۸۵۹				
	مسئولیت پذیری	۰/۶۰۵				
رضایتمندی بهداشتی	رضایت از پزشکان عمومی	۰/۸۱۴	۱۹/۲۴	۱/۹۲	۰/۶۶۸	۰/۷۳۱
	رضایتمندی از پزشکان متخصص	۰/۷۳۴				
	رضایتمندی از خدمات بهداشتی دریافتی	۰/۷۰۴				
رضایتمندی اجتماعی	احترام اجتماعی	۰/۷۳۴	۱۲/۴۷	۱/۲۴	۰/۳۳۶	۰/۷۳۱
	رضایت از هم محله ای ها	۰/۶۶۲				
	رضایت از شغل	۰/۴۶۹				

جدول شماره ۴- نتایج اجزاء تحلیل عاملی و تحلیل پایایی گویه های مربوط به ابعاد رفاه اقتصادی

ابعاد رفاه اقتصادی	شاخصها	بار عاملی	درصد واریانس تبیین شده	مقادیر ویژه	ضریب پایایی هر عامل	ضریب پایایی کل
احساس محرومیت نسی	مقایسه امکانات خود با دیگران	۰/۵۸۲	۴۲/۳۲	۲/۱۱۶	۰/۷۶۵	۰/۷۵۸
	توزیع عادلانه امکانات	۰/۹۵۸				
	تبریزی های اقتصادی	۰/۹۵۶				
تأمین مایحتاج اولیه	تأمین خوراکی	۰/۸۶۳	۲۸/۹۰	۱/۴۴۵	۰/۷۶۴	۰/۷۵۸
	تأمین پوشاک	۰/۸۶۱				
مناسب بودن منطقه سکونی	مطلوب بودن منطقه	۰/۷۳۳	۱/۹۶	۲۴/۶۰۳	۰/۶۰	۰/۶۷۲
	منطقه سکونی به عنوان عامل پیشرفت	۰/۶۵۰				
	تعوض منطقه در صورت امکان	۰/۸۰۵				

## یافته های تحقیق

### الف) میزان مشارکت شهروندان در امور شهری

برای سنجش مشارکت شهری به عنوان متغیر وابسته، ۲۱ گویه داده شده بود که به جهت ذکر اجزاء آن در بخش اعتبار و پایایی، از آوردن مجدد آن خودداری می شود. ماحصل نتایج به دست آمده نشان از آن دارد که بیشتر شهروندان، در پرداخت عوارض شهری، همکاری با شهرداری در زمینه جمع آوری زباله، نگهداری فضای سبز و رعایت ساخت و سازها، علاقمندی به مشارکت در انتخابات شورای شهری و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، تلاش در جهت حل مشکلات محله و مواردی نظیر آن، مشارکت نسبتاً بالایی داشته اند. به عبارت دقیق چنین می توان گفت که میانگین مشارکت اجتماعی شهروندان ۹۱/۷۱ و میزان چولگی برابر با ۰/۴۰- می باشد که نشان می دهد توزیع، چاوله به چپ است. یعنی تعداد بیشتری از شهروندان از حیث مشارکت شهری، نمره بیشتری از میانگین گرفته اند (جدول شماره ۵).

جدول شماره ۵- آماره های پراکنندگی مرتبط با میزان مشارکت شهروندان در امور شهری

متغیر	میانگین	چولگی	دامنه تغییرات	حداقل	حداکثر	تعداد
مشارکت در امور شهری	۹۱/۷۱	-۰/۴۰۲	۷۷	۴۶	۱۲۳	۷۰۰

### ب) رفاه

همان طوری که در بخش های قبلی، اشاره گردید، برای سنجش تأثیر رفاه بر مشارکت شهروندان در امور شهری به عنوان متغیرهای مستقل، هر دو بُعد اقتصادی و اجتماعی مدنظر قرار گرفته است.

### رفاه اقتصادی

برای سنجش تأثیر رفاه اقتصادی بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری شاخص های، نوع مسکن، وضعیت فعالیت، تأمین مایحتاج اولیه (تأمین خوراک و پوشاک اعضای خانوار)، مناسب بودن منطقه سکونت و احساس محرومیت نسبی انتخاب گردیده اند که به ترتیب به توصیف و تبیین آن ها اشاره می کنیم.

## نوع مسکن

بر اساس یافته ها، بیشتر شهروندان به ترتیب دارای مسکن ملکی، اجاره ای و سازمانی بوده اند. برای بررسی معنی داری تفاوت میانگین های مشارکت شهروندان در اداره امور شهری به تفکیک نوع مسکن، از آزمون آنالیز واریانس استفاده گردید. نتایج نشان داد که آزمون مربوطه معنی دار است. یعنی متوسط میزان مشارکت شهروندان بسته به نوع مسکن، تفاوت معنی داری از هم دارند. همچنین بر اساس سایر نتایج به دست آمده می توان گفت که میانگین مشارکت شهروندانی که دارای مسکن ملکی بوده اند، از بقیه بیشتر بوده است. نتایج آزمون تعقیبی LSD نیز نشان داد که تفاوت میانگین های مشارکت شهروندان به تفکیک نوع مسکن، در بین همه گزینه های منتخب، معنی دار بوده است (جدول شماره ۶).

جدول شماره ۶- آماره های توصیفی و استنباطی مرتبط با نوع مسکن - مشارکت

نوع مسکن	فراوانی	درصد	میانگین میزان مشارکت	آزمون آنالیز واریانس یک طرفه		سطح معنی داری آزمون Lsd
				F کمیت	سطح معنی داری	
ملکی	۴۴۷	۶۳/۹	۸۷/۴۷	۳/۴۲	۰/۰۰۹	ملکی با اجاره Sig=۰/۰۳۵
اجاره ای	۱۹۵	۲۷/۹	۸۶/۱۹			ملکی با سازمانی Sig=۰/۰۰۱
سازمانی	۶	۰/۹	۷۱/۱۶			اجاره ای با سازمانی Sig=۰/۰۰۴
گمشده	۵۲	۷/۴	-			
جمع کل	۷۰۰	۱۰۰	۸۷/۵۴			

## وضعیت فعالیت

نتایج یافته ها نشان داد که به ترتیب اولویت، گزینه سایرین (سربازان، محصلین، دانشجویان و...)، داری درآمد بدون کار و شاغلین، بیشترین مشارکت و بیکاران و خانه داران کمترین مشارکت را در امور شهری داشته اند. همچنین بر اساس آزمون آنالیز واریانس یک طرفه، معنی داری تفاوت میانگین ها نیز تأیید شده است.

به عبارت دقیق تر بر اساس آزمون تعقیبی LSD، میانگین مشارکت شاغلین با بیکاران، بیکاران با افراد دارای درآمد بدون کار، سایرین با بیکاران و خانه داران، از لحاظ آماری، معنی دار بوده است (جدول شماره ۷).

جدول شماره ۷- آماره های توصیفی و استنباطی مرتبط با وضعیت فعالیت - مشارکت

سطح معنی داری آزمون Lsd	آزمون آنالیز واریانس یک طرفه		میانگین میزان مشارکت	درصد	فراوانی	وضعیت فعالیت
	سطح معنی داری	F کمیت				
۲ و ۱: Sig= ۰/۰۰۵	۰/۰۰۹	۳/۴۲	۸۷/۵۹	۶۲/۱	۴۳۵	شاغل (کد ۱)
۲ و ۳: Sig= ۰/۰۱۴			۸۲/۶۹	۷/۹	۵۵	بیکار (کد ۲)
۲ و ۵: Sig= ۰/۰۰۱			۸۷/۹۷	۶/۱	۴۳	دارای درآمد بدون کار (کد ۳)
۴ و ۵: Sig= ۰/۰۳۱			۸۵/۲۲	۸/۳	۵۸	خانه دار (کد ۴)
			۹۰/۰۸	۹/۷	۶۸	سایر (کد ۵)
			-	۵/۹	۴۱	گمشده
			۸۷/۴۵	۱۰۰	۷۰۰	جمع کل

### تأمین مایحتاج اولیه اعضای خانوار (خوراک و پوشاک اعضای خانوار)

برای سنجش اینکه آیا سرپرستان خانوار قادر به تأمین مایحتاج اولیه اعضای خانوار در خصوص خوراک و پوشاک هستند، دو سؤال داده شده بود. نتایج نشان داد که آنان در تأمین نیازهای اولیه مذکور چندان توانمند نبوده اند. میانگین به دست آمده به میزان ۶ و میزان چولگی برابر با ۰/۲۴۲ نشان می دهد که توزیع، چوله به راست است؛ یعنی تعداد بیشتری از شهروندان از حیث تأمین نیازهای اولیه در مضیقه بوده اند. برای سنجش رابطه بین متغیر تأمین مایحتاج اولیه خانوار و متغیر میزان مشارکت آنان در امور شهری، از آزمون R پیرسون استفاده گردید. نتایج نشان داد که رابطه معنی داری بین متغیر مذکور با میزان مشارکت، وجود دارد (جدول شماره ۸).

## جدول شماره ۸- آماره های توصیفی و استنباطی مرتبط با تأمین مایحتاج اولیه - مشارکت

آماره های پراکنندگی مرتبط با تأمین مایحتاج اولیه						
متغیر	میانگین	چولگی	دامنه تغییرات	حداقل	حداکثر	تعداد
تأمین مایحتاج اولیه	۶	۰/۲۴۲	۱۰	۲	۱۲	۷۰۰
آزمون پیرسون: تأمین مایحتاج اولیه و مشارکت			تعداد مشاهدات		۷۰۰	
			سطح معنی داری		۰/۰۰۰	
			شدت همبستگی		۰/۱۶۴	

## مطلوب بودن منطقه سکونتی

برای سنجش متغیر مذکور، چهار گویه طرح شده بود. بر اساس آماره های پراکنندگی (۱۲/۴۴ = میانگین و ۰/۴۱۹ = میزان چولگی) می توان گفت که بیشتر شهروندان از منطقه محل سکونت خود، راضی بوده اند. برای آزمون رابطه بین متغیرها، از آزمون I پیرسون استفاده گردیده است. نتایج نشان داد که رابطه بین متغیرها، با شدت بالا، به تأیید رسیده است. بر این اساس می توان گفت که هر چقدر شهروندان، منطقه سکونتی خود را مناسب و مطلوب ببینند، به همان میزان، علاقمند به مشارکت در امور شهری خواهند شد (جدول شماره ۹).

## جدول شماره ۹- آماره های توصیفی و استنباطی مرتبط با متغیر محل مناسب منطقه سکونتی

متغیر	میانگین	چولگی	دامنه تغییرات	حداقل	حداکثر	تعداد
محل مناسب منطقه سکونتی	۱۲/۴۴	-۰/۴۱۹	۲۰	۴	۲۴	۷۰۰
آزمون پیرسون: متغیر محل مناسب منطقه سکونتی و مشارکت			تعداد مشاهدات		۷۰۰	
			سطح معنی داری		۰/۰۰۰	
			شدت همبستگی		۰/۸۰۴	

### احساس محرومیت نسبی

بر اساس نتایج حاصله می توان گفت که میانگین احساس محرومیت نسبی شهروندان،  $11/80$  و میزان چولگی برابر با  $0/006-$  می باشد. نتایج مذکور نشان می دهد که میزان احساس محرومیت نسبی در میان شهروندان کمتر بوده است (جدول شماره ۱۰). همچنین برای آزمون دو متغیر مذکور از I پیرسون استفاده گردید. نتایج حاصله نشان داد که فرضیه مذکور به تأیید رسیده و شدت همبستگی بین این دو متغیر ضعیف و نوع رابطه معکوس می باشد. یعنی هر چه میزان احساس محرومیت نسبی شهروندان رو به فرونی گذارد، به همان اندازه از میزان مشارکت آنان در امور شهری کاسته خواهد شد. عکس آن نیز صادق است (جدول شماره ۱۰).

#### جدول شماره ۱۰ - آماره های توصیفی و استنباطی مرتبط با احساس محرومیت نسبی - مشارکت

متغیر	میانگین	چولگی	دامنه تغییرات	حداقل	حداکثر	تعداد						
احساس محرومیت نسبی	$11/80$	$0/006-$	۱۵	۳	۱۸	۷۰۰						
آزمون پیرسون: احساس محرومیت نسبی و مشارکت												
							تعداد مشاهدات		۷۰۰			
							سطح معنی داری		$0/0001$			
شدت همبستگی		$0/209-$										

### رفاه اجتماعی

برای سنجش تأثیر رفاه اجتماعی بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری شاخص های اعتماد نهادی، رضایتمندی اجتماعی و میزان رضایتمندی از خدمات بهداشتی انتخاب گردیده اند که به ترتیب به توصیف و تبیین آن ها اشاره می کنیم.

با در نظر گرفتن آماره های پراکنده می مرتبط با متغیر اعتماد نهادی، می توان گفت که میانگین اعتماد نهادی شهروندان  $11/52$  و میزان چولگی برابر با  $0/74$  می باشد که نشان می دهد میزان اعتماد شهروندان به مسئولین شهری، در حد پایینی بوده است (جدول شماره ۱۱). همچنین نتایج حاصله از آزمون پیرسون نشان داد که هر چقدر میزان اعتماد نهادی در جامعه بالا باشد به همان میزان بر میزان مشارکت اجتماعی شهروندان در اداره امور شهری افزوده می شود؛ عکس آن نیز صادق است (جدول شماره ۱۲).



نتایج تحقیق نشان داد که میانگین احساس رضایتمندی اجتماعی شهروندان، ۱۳/۵۳ و میزان چولگی برابر با ۰/۲۷۷- می باشد. این امر نشان می دهد، رضایتمندی اجتماعی در بین شهروندان اصفهانی، نسبتاً بالا بوده است (جدول شماره ۱۱). همچنین رابطه خطی بین متغیر رضایتمندی اجتماعی با متغیر وابسته میزان مشارکت شهروندان در امور شهری، از طریق آزمون I پیرسون تأیید شده و شدت همبستگی بین این دو متغیر ضعیف بوده است. یعنی هر چه در جامعه شهری احساس رضایتمندی اجتماعی بالا رود، به همان مقدار بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری افزوده خواهد شد؛ عکس آن نیز، صادق است (جدول شماره ۱۲).

میانگین رضایتمندی از خدمات بهداشتی شهروندان، ۱۰/۸۳ و میزان چولگی برابر با ۰/۲۳۸- می باشد. یعنی میزان رضایتمندی از خدمات بهداشتی در میان شهروندان، تا حدی بیشتر بوده است (جدول شماره ۱۱). در ادامه برای آزمون دو متغیر مذکور از آزمون I پیرسون استفاده گردید. نتایج نشان داد که معنی داری رابطه بین دو متغیر مذکور به تأیید رسیده و شدت همبستگی بین این دو متغیر ضعیف می باشد. یعنی هر چه رضایتمندی شهروندان از خدمات بهداشتی و درمانی بیشتر باشد، به همان اندازه بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری افزوده خواهد شد. عکس آن نیز صادق است (جدول شماره ۱۲).

همچنین در سوالی از شهروندان پرسیده شده بود که آیا دفترچه بیمه درمانی دارند یا نه؟ ۲۶/۶ پاسخگویان دفترچه بیمه درمانی نداشته و بقیه دارای دفترچه بیمه درمانی بوده اند. جالب توجه اینکه دارندگان دفترچه های بیمه درمانی، نسبت به کسانی که دارای دفترچه بیمه درمانی نبوده اند، مشارکت بیشتری در امور شهری داشته و این تفاوت میانگین ها به لحاظ آماری، معنی دار بوده است (جدول شماره ۱۳).

جدول شماره ۱۱- آماره های پراکنندگی ابعاد رفاه اجتماعی

متغیر	میانگین	چولگی	دامنه تغییرات	حداقل	حداکثر	تعداد
اعتماد نهادی	۱۱/۵۲	۰/۰۷۴	۲۰	۴	۲۴	۷۰۰
رضایتمندی بهداشتی	۱۰/۸۳	-۰/۲۳۸	۱۵	۳	۱۸	۷۰۰
رضایتمندی اجتماعی	۱۳/۵۳	-۰/۲۷۷	۱۵	۳	۱۸	۷۰۰

## جدول شماره ۱۲- آزمون رابطه متغیرهای مرتبط با ابعاد رفاه اجتماعی با میزان مشارکت

متغیرهای مستقل	متغیر وابسته	تعداد مشاهدات	سطح معنی داری	ضریب همبستگی
اعتماد نهادی	میزان مشارکت	۷۰۰	۰/۰۰۰	۰/۳۵۲
رضایتمندی بهداشتی	میزان مشارکت	۷۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۶۸
رضایتمندی اجتماعی	میزان مشارکت	۷۰۰	۰/۰۰۰	۰/۲۵۳

## جدول شماره ۱۳- آماره های توصیفی و استنباطی مرتبط با بیمه درمانی و مشارکت

متغیر	دفعه بیمه درمانی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آزمون t	
میزان مشارکت	دارم	۷۳/۴	۱۲۰/۷۰	۱۵/۳۰	کمیته T	سطح معنی داری
	ندارم	۲۶/۶	۱۱۶	۱۶/۲۵	۳/۵	درجه آزادی
					۶۹۸	۰/۰۰۰

## تحلیل رگرسیونی

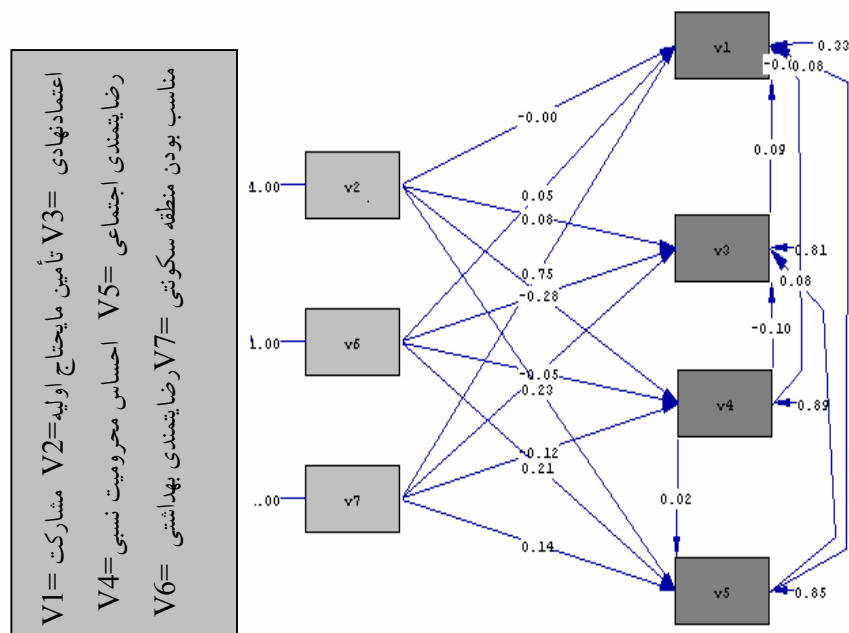
هدف از تحلیل رگرسیونی، مشخص نمودن سهم و تأثیر متغیرهای عمده تحقیق در تبیین و پیش بینی تغییرات متغیر وابسته است. بر اساس نتایج حاصله، می توان گفت که متغیر وابسته (مشارکت در امور شهری) بیشتر، متأثر از متغیر «مناسب بودن منطقه سکونتی است». به عبارتی در شکل گیری مشارکت شهروندان در امور شهری، متغیر مذکور بالاترین تأثیر و متغیر رضایتمندی بهداشتی کمترین تأثیر را داشته است. همچنین متغیر تأمین مایحتاج اولیه خانوار از مدل خارج شده است. نتیجه کلی از این سنجش چند متغیره با رجوع به جدول آنالیز واریانس این است که رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته، ضمن اینکه تأیید شده، خطی نیز هست. و ضریب تبیین تصحیح شده حکایت از آن دارد، ۰/۶۷ تغییرات بین مشاهدات، به وسیله مدل رگرسیون خطی، شامل متغیرهای مستقل، تبیین شده است. یعنی فرضیه صفر رد شده و مدل رگرسیونی با سطح معنی داری کوچکتر از ۰/۰۱ به شدت معنی دار است (جدول شماره ۱۴).

جدول شماره ۱۴- آماره های تحلیل رگرسیون چندمتغیره میزان مشارکت

متغیر	بتا	t	سطح معنی داری	آنالیز واریانس	
				کمیت F	سطح معنی داری
احساس محرومیت نسبی	-۰/۰۶۲	-۲/۶۸۱	۰/۰۰۸	۲۳۹/۸۳۳	۰/۰۰۰
اعتماد نهادی	۰/۰۸۹	۳/۶۹۳	۰/۰۰۰		
رضایتمندی اجتماعی	۰/۰۷۹	۳/۳۴۲	۰/۰۰۱		
رضایتمندی بهداشتی	۰/۰۴۸	۲/۰۴۶	۰/۰۴۱		
مناسب بودن منطقه سکونتی	۰/۷۵۲	۱۳/۸۱۰	۰/۰۰۰		
تأمین نیازهای اولیه	-۰/۰۰۴	-۰/۱۷۴	۰/۸		
ضرب همبستگی چندگانه			۰/۸۲۲		
ضرب تین			۰/۶۷۵		
ضرب تین اصلاح شده			۰/۶۷۲		
اشتباه معیار بر آورد			۷/۲۴۲		
کمیت دورین واتسون			۱/۹۴		
کمیت			۱/۱۵۹		
آزمون کولموگروف اسیرنوف			۰/۱		

## تحلیل مسیر (۱)

تحلیل مسیر به ما امکان می دهد، در فراسوی بر آورد اثرات مستقیم گام بر داشته و فرایندهای علی زیر بنایی روابط مشاهده شده و اهمیت نسبی مسیرهای ذی نفوذ را مورد بررسی قرار دهیم. آزمون مدل در تحلیل مسیر به دنبال تبیین پدیده های مورد پژوهش، یک روش مشهودتر علی را بیشتر از تحلیل رگرسیون ترغیب می کند(هومن، ۱۳۸۰). بنابراین برای بر آورد اثرات غیر مستقیم و اثرات کل متغیرهای مستقل بر میزان مشارکت شهروندان، شکل ساختاری زیر، با استفاده از نرم افزار **Lisrel** مورد آزمون واقع شده است.



Chi-Square=0.00, df=0, P-value=1.00000, RMSEA=0.000

**شکل ساختاری شماره ۳- تبیین مشارکت شهروندان در امور شهری بر اساس متغیرهای مستقل**

بر اساس شاخص‌های نیکویی برازش در شکل ساختاری شماره (عدم معنی داری کای اسکور)، می‌توان نتیجه گرفت که مدل آزمون شده مورد تأیید واقع گردیده است. همچنین، نتایج تحلیل مسیر صورت گرفته نشان می‌دهد که تأثیر متغیر تأمین مایحتاج اولیه بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری، به لحاظ آماری، معنی دار نبوده است. انتظار می‌رفت که بر اساس بسیاری از تئوری‌های روان‌شناسی اجتماعی، تأمین نیازهای اولیه بر میزان مشارکت شهروندان تأثیر گذار باشد؛ ولی این امر حاصل نیامده است. علت این امر می‌تواند مرتبط با ضرایب بالای تأثیر گذاری متغیرهای دیگر باشد که در نهایت متغیر مذکور را از مدل خارج کرده

است و گرنه در بخش آماره های استنباطی دو متغیره، رابطه بین متغیر تأمین مایحتاج اولیه و میزان مشارکت، تایید شده بود.

متغیر رضایتمندی اجتماعی بطور مستقیم و غیر مستقیم از طریق اعتماد نهادی، ۰/۰۸۷ درصد بر میزان مشارکت شهروندان تأثیر داشته اند. به لحاظ نظری این امر قابل تایید است. زیرا رضایتمندی اجتماعی هم می تواند به طور مستقیم در ارتباط با مشارکت باشد و هم می تواند از طریق بالابردن اعتماد نهادی در جامعه بر آن تأثیر گذار باشد که تحت عنوان اثر غیر مستقیم قابل توجیه است.

متغیر رضایتمندی بهداشتی، به طور مستقیم و غیر مستقیم از طریق متغیرهای احساس محرومیت نسبی، اعتماد نهادی و رضایتمندی اجتماعی، ۰/۰۹ بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری تأثیر داشته اند. به لحاظ نظری چنین می توان گفت که افراد یک جامعه در صورتی که از رضایتمندی بهداشتی بر خوردار باشند، احساس محرومیت نسبی در آنان کم رنگ شده و رضایتمندی اجتماعی و اعتماد نهادی در جامعه بالا خواهد بود. در این صورت می توان شاهد مشارکت بالای شهروندان در امور شهری بود.

متغیر احساس محرومیت نسبی به طور مستقیم و غیر مستقیم از طریق متغیرهای اعتماد نهادی و رضایتمندی اجتماعی، ۰/۰۶- درصد تأثیر منفی بر متغیر وابسته داشته است. بنابراین وقتی در جامعه ای، شهروندان آن احساس نمایند به لحاظ های مختلفی مورد تبعیض واقع گردیده اند، طبیعی است اعتماد به مسئولین شهری و رضایتمندی اجتماعی در بین آنان نمودی نخواهد داشت که در این صورت می توان نتیجه اصلی آن را در کاهش مشارکت شهروندان به وضوح مشاهده نمود.

متغیر مناسب بودن منطقه سکونت، به طور مستقیم و غیر مستقیم از طریق متغیرهای احساس محرومیت نسبی، اعتماد نهادی و رضایتمندی اجتماعی، تأثیر بالایی بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری داشته است. احساس تعلق به منطقه مسکونی و مناسب دانستن آن از سوی شهروندان زمانی است که آنان به لحاظ خدمات شهری دریافتی، احساس بی عدالتی نکرده و از آن راضی باشند. در چنین مواردی، اعتماد نهادی محقق گردیده که می تواند بر تمامی کنش های اجتماعی از جمله کنش مشارکتی شهروندان تأثیر گذار باشد.

- متغیرهای مستقل مورد استفاده در این پژوهش، ۰/۶۷ تغییرات متغیر وابسته را تبیین نموده است؛ ۰/۳۳ بقیه، مربوط به سایر متغیرها بوده که در تحقیق حاضر به آن ها پرداخت نگردیده است (جدول شماره ۱۵).

## جدول شماره ۱۵- بررسی تأثیر متغیرهای مستقل بر میزان مشارکت شهروندان

متغیرهای مستقل	نوع اثر		اثر کل	معنی دار	عدم معنی دار	اثرات تحلیل شده	اثرات تحلیل نشده
	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم					
تأمین مایحتاج اولیه	۰/۰۰۱	۰/۰۴۲	۰/۰۴۲		*	۰/۶۷	۰/۳۳
اعتماد نهادی	۰/۰۹	-	۰/۰۹	*			
احساس محرومیت نسبی	-۰/۰۶	-۰/۰۰۷	-۰/۰۶۷	*			
رضایتمندی اجتماعی	۰/۰۸	۰/۰۰۷۲	۰/۰۸۷	*			
رضایتمندی بهداشتی	۰/۰۵	۰/۰۴۰	۰/۰۹	*			
مناسب بودن منطقه سکونتی	۰/۷۵	۰/۰۳۹	۰/۷۸	*			

## جمع بندی

همان طوری که در ابتدای مقاله عنوان شد، هدف مقاله حاضر، بررسی تأثیر رفاه اجتماعی و اقتصادی، بر میزان مشارکت شهروندان اصفهانی در امور شهری بوده است. بنابراین از تئوری‌ها و تحقیقات پیشین گوناگونی جهت تبیین موضوع مذکور، استفاده گردید. بر اساس نتایج حاصله، نظریات نیکلاس لوهمان، برنارد باربر ودریسکول و نتایج سایر تحقیقات پیشین مرتبط با تأثیر اعتماد بر میزان مشارکت که در بخش ادبیات تحقیق آورده شده اند، قابل کاربرد در جامعه آماری مورد مطالعه می باشند.

دانشمندانی چون دیویس، رانسیمن و کروسبی از جمله دانشمندانی بودند که تأثیر احساس محرومیت نسبی را بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری، حیاتی خوانده بودند. نتایج تحقیق حاصله، کاربردی بودن نظریات آنان و نتایج تحقیقات مرتبط با احساس محرومیت نسبی و تأثیر آن بر میزان مشارکت را در جامعه آماری مورد مطالعه تأیید کرده است.

نتایج تحقیق حاضر، نظریه ایکستروم و همکاران وی مبنی بر تأثیر رضایتمندی بهداشتی بر میزان مشارکت شهروندان در فعالیت های اجتماعی را تأیید کرده است. بنابراین از این حیث، نظریه ایشان قابل کاربرد در جامعه آماری مورد مطالعه می باشد.

آنچه که از محتوای نظریه گرونیگرک استنباط می شود، این است که رضایتمندی اجتماعی تأثیر به سزایی در میزان مشارکت شهروندان در امور شهری دارد. نتایج تحقیق حاضر، محتوای نظریه مذکور و سایر نتایج تحقیقات پیشین مرتبط با رضایتمندی اجتماعی و تأثیر آن بر میزان مشارکت را مورد تأیید قرار داده است، بنابراین از این حیث قابل کاربرد در جامعه آماری مورد مطالعه می باشد.

همچنین در ادبیات تحقیق بر اساس پیشینه های تحقیقی، شاخص هایی چون تأمین مایحتاج اولیه خانوار، نوع مسکن، وضعیت فعالیت و مناسب بودن منطقه سکونتی، تحت عنوان رفاه اقتصادی با میزان مشارکت شهروندان در ارتباط بوده است. در تحقیق حاضر نیز رابطه متغیرهای مذکور با متغیر وابسته، به تأیید رسیده است. بنابراین می توان نتایج تحقیقات صورت گرفته در خصوص تأثیر رفاه اقتصادی بر میزان مشارکت را قابل کاربرد در جامعه آماری دانست. نتیجه نهایی با در نظر گرفتن میزان تأثیر گذاری متغیرهای مستقل بر وابسته، حکایت از آن دارد که در مجموع، متغیر مناسب بودن منطقه سکونتی بالاترین تأثیر و متغیر احساس محرومیت نسبی، کمترین تأثیر را بر متغیر وابسته داشته و تأثیرات کل متغیرهای اعتماد نهادی، رضایتمندی بهداشتی و رضایتمندی اجتماعی بر میزان مشارکت، یکسان بوده است. با در نظر گرفتن نتایج حاصله می توان پیشنهاد های زیر را ارائه داد:

اگر مدیران شهری، مشارکت شهروندان در امور شهری را تقاضا دارند، ضروری است به طور مستمر، نظرات اعضا را مد نظر داشته و با تدوین نظامی، آرای مردم را هر چه بیشتر اخذ نمایند. بنابراین، هر چه مسئولان شهری در ارتباط با مردم، صادقانه عمل نمایند و مردم هیچ تردیدی در شفاف و بهتر عمل کردن مسئولین نمایند، در این صورت، مردم گرایش بالایی به مشارکت در امور شهری خواهند داشت.

افزایش تعاملات اجتماعی در سطح جامعه و دنبال نمودن مسایل شهری از سوی شهروندان، باعث گردیده است که شهروندان به نوعی از امکانات و خدمات دریافتی منطقه سکونتی خود و سایر مناطق شهری، آگاه گردند. اگر شهروندان احساس نمایند که منابع و تسهیلات تخصیص یافته به مناطق مسکونی شان در مقام مقایسه با دیگر مناطق عادلانه نیست، از انجام فعل مشارکت سرباز خواهند زد. بنابراین بر مسئولین شهری فرض است که حداقل امکان در زمینه های اعطای امکانات به مناطق شهری و سایر موارد مرتبط، عدالت را رعایت نمایند. این امر می تواند از جهات متعددی بر رضایتمندی اجتماعی، احساس تعلق به منطقه مسکونی و در نهایت بر مشارکت شهروندان در امور شهری تأثیر مثبتی داشته باشد.

در عصر حاضر، توجه خاصی به مقوله جامعه‌شناسی پزشکی شده و نسبت به سایر شاخه‌های جامعه‌شناسی، مورد توجه بیشتری قرار گرفته است. لذا می‌توان گفت که برخورداری از بهداشت سالم می‌تواند بر بسیاری از پدیده‌های اجتماعی تأثیرگذار باشد. در تحقیق حاضر مشخص گردید افرادی که از رضایتمندی بهداشتی برخوردار بودند نسبت به شهروندانی که از چنین رضایتی برخوردار نبودند بیشتر علاقمند به مشارکت در امور شهری بوده‌اند. بنابراین از متولیان امر انتظار می‌رود در مباحث بهداشتی شهروندان و جامعه بیش از پیش جدی باشند.

بر طبق نظریه مارکس، دغدغه شغلی و نگرانی از بیکاری (توسلی، ۱۳۷۵: ۸۷-۸۴) تبعات خاص خودش را دارد. مواردی چون مشکلات اقتصادی شهروندان (تأمین خوراک و پوشاک، مسکن و شغل) تا زمانی که مرتفع نگردند، نمی‌توان انتظار مشارکت مردم در امور شهری و یا هر فعالیت اجتماعی مثبتی را داشت. بنابراین بر مسئولین فرض است از مرحله شعار فراتر رفته و در عمل سعی نمایند چنین مشکلاتی را مرتفع نمایند.

### فهرست منابع

- امیرکافی، مهدی (۱۳۸۲): بررسی میزان مشارکت اجتماعی شهروندان در اداره بهینه امور شهری، تهران، مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران.
- تاجیک اسماعیلی، عزیز الله (۱۳۷۶): حس مشارکت و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان، گزیده‌ای از چکیده‌های پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری خارج از کشور، سازمان آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی، شورای تحقیقات.
- تقوی، نعمت‌الله (۱۳۸۵): بررسی عوامل و زمینه‌های مشارکت مردم در توسعه منطقه شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی، تبریز، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی آذربایجان شرقی.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۵): جامعه‌شناسی کار و شغل، تهران، سمت.
- حسین‌زاده، علی حسین (۱۳۸۵): بررسی تطبیقی تأثیر عوامل اجتماعی-سیاسی و مشارکت مردم در انتخابات مجلس شورای اسلامی (۱۳۵۸-۱۳۸۲): پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی.
- ربانی، رسول و گنجی محمد (۱۳۸۴): تبیین وضعیت مشارکت دانشجویان در تشکیل شرکت تعاونی دانشجویی، فصل‌نامه همیار، سال هفتم شماره ۲۵، بهار ۸۴.



رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸): *آنانومی جامعه*، تهران، شرکت سهامی انتشار.

رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۲): *سنجش گرایش روستاییان نسبت به جهاد سازندگی*، تهران، مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی وزارت جهاد سازندگی.

زاهدی اصل، محمد (۱۳۸۱): *مبانی رفاه اجتماعی*، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول.

طوسی، محمد علی (۱۳۷۲): *مشارکت در مدیریت و مالکیت*، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.

علوی تبار، علیرضا (۱۳۸۰): *الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها*، تهران، انتشارات سازمان شهرداری های کشور.

فردرو، محسن و رضوانی، اصغر (۱۳۸۱): *دولت، مردم و همگرایی (مشارکت، توسعه و زمینه های گسترش مشارکت سیاسی)*، منتخب مجموعه مقالات *گردهمایی دولت و مشارکت مردمی*، تهران، آن، جلد دوم.

قراچورلو، نجف و اسمعیلی، اکبر (۱۳۸۶): *بررسی زمینه های مشارکت شهروندان در فعالیت ها و خدمات شهرداری تبریز*، جهاد دانشگاهی واحد آذربایجان شرقی.

کاظمی کردآسیایی، میترا (۱۳۸۱): *بررسی ارتباط بین مهارت های انسانی مدیران با جلب مشارکت اولیای دانش آموزان متوسطه و راهنمایی شهرستان بابلسر (پایان نامه کارشناسی ارشد)*، دانشگاه الزهراء، دانشکده علوم تربیتی.

کوثری، مسعود (۱۳۷۴): *بررسی تأثیر انسجام اجتماعی بر میزان مشارکت روستاییان در فعالیت های عمرانی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.

کیهانی، مسیح الله (۱۳۸۴): *بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان*، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی.

مقدس جعفری، محمد حسن و باقرزاده، فیروز (۱۳۸۱): *بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت فرهنگی دانشجویان کرمان*، پژوهش گران فرهنگ، فصل نامه *شورای پژوهشی اداره کل فرهنگ ارشاد اسلامی کرمان*، سال اول، شماره ۱، زمستان ۸۱.

نیازی، محسن (۱۳۸۱): *تبیین موانع مشارکت اجتماعی در شهر کاشان*، پایان نامه دکتری جامعه شناسی، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی.

هومن، حیدر علی (۱۳۸۰): *تحلیل داده های چند متغیری در پژوهش های رفتاری*، تهران، نشر پارسا.

## ب) منابع انگلیسی

- Abbott, Stephan, Fisk. Malkolm, and Forward. Louise.(2000): Social and democratic participation in residential settings for older people: realities and aspirations ,*Ageing and Society*20, PP.327-340.
- Bannet, Fran(2004): Development of social Security, *Social Policy Review*, University of Bristol, Great Britain: The Policy Press.
- Deriscol, James,W.(1978):Trust and Participation,*Academy of Management Journal*,Vol.21, No.1 , PP. 44-56.
- Ekstrom, Henrik; Dahlin Ivanoff ; and Elmstahl, Solve(2007): Restriction in social participation and lower life satisfaction among fractured in pain Results from the population study “Good Aging in Skane”, *Since Direct(Archives of Gerontology and Geriatrics*, pp.1-16.
- Giddens, Anthony(2006): *Sociology*, Fifth Edition, Cambridge, Polity Press.
- Howard, Patricia B., Kay Rayens , Mary., El-Mallakh, Peggy., and Clark, James J(2007):Predictors of Satisfaction Among Adult Recipients of Medicaid Mental Health Services,*Since Direct(Archives of Gerontology and Geriatrics*, pp.257-269.
- Lee, Eunjung(2006): *Asocial resource model of political participation:Mass media use,social capital, and political participation* (Dissertation), Cornell university.
- Lewis,David,and Weigert,Andrew(1985):Trust as a Social Reality, *Social Forces*,Vol.63,No.4,pp.976-985.
- Marshal, Melissaj (2004): Citizen Participation and the neighborhood Context: A New at the Co production of Local Public Goods, *Political Research Quarterly*,Vol.57,No.2,PP.231-244.
- Mehlum, Halvor(2002): Should I stay? Should I go? On Relative Deprivation, and Migration Dynamics, *Review of Development Economics*, (1), PP.67-76.
- Mutz,Diana C(2005): Social Trust and E- Commerce: Experimental evidence for Social trust in Individuals Economic Behavior, *Public Opinion Quarterly*, Vol.69,No.3,pp. 393-416.
- Newton, Jamesw; Manue, Leon; and Geary, Denise (1980): Relative Deprivation, Dissatisfaction, and Militancy: A Field study in a protest crowd, *Journal of applied Social Psychology*, 10/5, PP.384-367.
- Rebori,Marlene K(2005): *The effectiveness of citizen participation in local governance: A ase study of citizen advisory boards*(Dissertation),university of Novada.
- Rose,Trent M(2006): Measuring civic engagement in Idaha Falls(Dissertation), Idaho stste university.
- Rothenberg, Jerome(1953): Marginal Preference and Theory of Welfare, *Oxford Economic Paper*, New Series, Vol.5, No.3,pp.248-263. - Saunders, Peter., Brown, Judith., and Eardely, Tony(2003): Patterns os economic and social Participation among faCS Customers, *Social Policy Research Center*, No.19, University of New South Wales.PP.1-67.

- Smith, Ronald S (2006): *Discerning differences in social capital: The significance of interpersonal networks and neighborhood association structure of citizen participation* (Dissertation), Indiana university.
- Warner, Jounne (2007): Structural Stigma, Institutional Trust and Risk Agenda in Mental Health Policy, *Social Policy Review* 19, PP.201-217, University of Bristol, Great Britain: The Policy Press.

### مشخصات نویسندگان

دکتر رسول ربانی دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان می باشد.

دکتر دارما آرانچولام استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه موناخ استرالیا می باشد.

Dharma.Arunachalm

دکتر محمد عباس زاده دکترای جامعه شناسی از دانشگاه تبریز می باشد.

M- abbaszaehh@yahoo.com

دکتر وحید قاسمی استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان می باشد.